



قائد مجاهد شهید با «عزیز» بود و «عزی» شد. بنده و جناب‌عالی نیز اگر می‌خواهیم «عزیز» شویم، باید با «عزیز» باشیم؛ زیرا «عزیز مطلق» خداست: **﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾** (یونس: ۶۵) و «عزّت مطلق» و «مطلق عزت» دست اوست.

به‌راستی که عزت فردی، عزت اجتماعی اعم از اجتماع منزلی و مدنی دست خداست هرکه را او خواهد «عزیز» خواهد کرد: **﴿تَعَزَّ مِنْ تَشَاءُ﴾** (آل‌عمران: ۲۶) و او بر پایه سنت‌های خویش چنین خواهد کرد؛ زیرا نظام آفرینش را بر بنیاد قواعدی خلق کرد و خلقت را بر مدار آن تدبیر می‌کند و بر هستی قوانین الهی حاکم است و هیچ چیزی از دائره قواعد و قوانین الهی خارج نبوده و نیست و چیزی را یاری خروج از سنت‌های الهی نیست: **﴿وَاللّٰهُ غَالِبٌ عَلٰی أَمْرِهِ﴾** (یوسف: ۲۱) و **﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَلْعِ أَمْرِهِ﴾** (طلاق: ۳) و عزت انسان مؤمن پرتوی از عزت خداست که: **﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾** (منافقین: ۸)

و ما در تجربه زیسته نیم‌قرن اخیر به چشم خویش دیده و با ذهن و ضمیر خود درک و دریافت کردیم که «خمینی‌کبیر» با «عزیز» بود و عزیز شد و «خامنیه‌ای شهید» نیز با «عزیز» بود و «عزیز» شد؛ زیرا خمینی و خامنیه‌ای هرگز تسلیم نفس اماره و مسئله از درون نشده و زیربار نفوذ و سلطه شیاطین برون‌جنی و انسی نشدند و درواقع نفوذناپذیر و سلطه‌نابردار بودند و در حقیقت مظهر اسم «عزیز» شدند.

آنان «عبدصالح» خدا شدند که «الهی کَفّٰی بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا» (صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۵۲ و ربک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷ ، ص ۴۰۰) و خدا نیز ربوبیت و ولایت‌شان را به‌عهده گرفت که: **﴿وَكَفّٰی بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رِبًّا﴾** (همان). بدین‌سان روشن می‌شود که راه عزت عبد از «عبودیت» می‌گذرد که «ذلت عبودیت و عزّت ربوبیت» را به‌دنبال دارد؛ زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: «العبودية جوهرة كنهها الرّبوبيّة» (مصباح‌الشّریعه وفتح‌الحقیقه، ص ۵۳۶، باب صدم در حقیقت عبودیت) و قائد شهید نیز الحق والانصاف از رهگذار بندگی مخلصانه خدا یا ذل عبودیت به عز ربوبیت

یادداشت

عزیز دُردانه خدا

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد رودگر عضو هیئت علمی گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

نائل آمد و با «عزیز» زیست، عزیزانه زندگی کرد و اکنون «عزیزدردانه» آن «عزیز سرمدی» شد. آنگاه که ولی‌امر مسلمین، رهبر حکیم، هوشمند و مجاهد ما «عزیزدردانه» خدا شد، خدا او را سردست گرفت و برپالای دست‌ها برد که **﴿يَذَّالِلِهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾** (فتح:۱۰) و خدا کاری کرد که عالمان ربانی، فقیهان سترگ، دانشمندان بزرگ و اندیشمندان نامدار جهان اسلام او را بر سر دست گیرند (منابع رسمی، جمعیت و تشییع‌کنندگان تمدنی را حدود ۴۱ تا ۴۳ میلیون نفر برای مجموع شرکت‌کنندگان در تهران، قم، مشهد و عراق (نجف و کربلا) تأیید می‌کنند). و سران و مسئولان بسیاری از کشورهای متکثر و مختلف جهان تکریمش کنند.

امام خامنه‌ای عزیز، آن مجاهد شهید تمام‌عیار در تمامی مراحل زندگی و ادوار حیات با برکتش، عزیزانه زیست و در برابر طواغیت درون و برون تسلیم نشد. او جهاد اکبر و اصغر را به هم پیوند زد و با «جهاد کبیر»، معارف ناب اسلامی را تبیین و فرهنگ و ارزش‌های ناب دینی را تبلیغ و ترویج کرد. در جنگ نرم و روایت‌ها یک‌تنه و‌راست‌قامت و استوار روشنگری کرد و در برابر جبهه استکباری، نظام سلطه و رژیم غاصب صهیونی مقاومت تاریخی و‌تاریخ‌سازانه کرد و «رهبر جاودانه جبهه مقاومت» شد.

امام خامنه‌ای چنان «عزیز دُردانه» خدا شد که خدا او را در آسمان‌ها نیز سردست گرفت و به فرشتگان نشان داد و و آنها را مخاطب قرار داد که یادتان هست که گفتم: **﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾** (بقره:۳۰) این «فوق‌فرشته» یکی از مصادیق آشکار همان **﴿إِنِّي أَعْلَمُ﴾** بود که «ما لَا تَعْلَمُونَ».

و درزمین و میان زمینیان نیز او را سردست گرفت و به همگان نشان داد که این انسان نیز **﴿نِعْمَ الْعَبْدُ﴾** (ص:۳۰) هست که چون سلیمان پیامبر علیه السلام در زمان خویش عمل کرد و به‌واقع: **﴿إِنَّهُ أَزَابٌ﴾** (همان) بود. از سوی دیگر مانند خضر علیه السلام **﴿عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا﴾** (کهف: ۶۵) بود و پیر راه و راهنما و رهبر مؤمنان و مجاهدان شد که نه‌تنها شیعیان، بلکه تمامی مسلمین، بلکه بالاتر

تمامی عدالت‌باوران و آزادی‌خواهان جهان او را دوست داشته و دارند. (منابع رسمی جمعیت حدود ۴۱ تا ۴۳ میلیون نفر را برای مجموع شرکت‌کنندگان در یک بازه ۶ روزه و در ۵ شهر تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد تأیید کردند) و اگر در کشورهای اسلامی، حتی برخی کشورهای اروپایی و آمریکا نیز تشییع می‌شد، با استقبال کم‌نظیر مشتاقان خویش مواجه می‌شد. این‌گونه هست که خدا بنده مؤمن و عامل صالح مجاهد خود را چنان محبوب دل‌ها کرد: **﴿إِنَّ الْأَوَّلِينَ آمَنُوا وَاعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾** (مریم: ۹۶) که عزیز دل همه انسان‌های آزاده جهان و آدمیان با فطرت سالم شد. آری محبوب‌شدن و عزیزبودن و عزیزماندن تنها در دست خداست و انسان خدایی، عزیز دل و جان خلق خدا خواهد شد. قائد شهید امت اسلامی، اهل تهجد بود و از این رهگذر در مرتبه خود به «مقام محمود» راه یافت: **﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّخْمُوداً﴾** (اسراء: ۷۹)، اهل استغفار سحرگاهانه بود: **﴿وَالْأَشْحَارَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾** (ذاریات: ۱۸) و به‌واقع مصادیق از:



﴿كَاثُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ (ذاریات: ۱۷) شد و **﴿إِنَّ تَائِبَةً اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾** (مزل: ۶) در تجربه وجودی کرد و با تمام وجودش آیات بینات: **﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَنَتَّلُ إِلَيْهِ تَتَبِيلًا رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا﴾** (مزل:۹-۷) را در متن زندگی فردی و اجتماعی، به‌ویژه مبارزات سیاسی و مقاومت در برابر استکبار جهانی درک وجودی کرد و در حقیقت مصداق باهر: **﴿إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَخَاصِرِ أَوْلِيَائِهِ﴾** (نهج‌البلاغه: خ ۲۷) شد. از اولیای الهی بود و به بهشت دیدار با خدا راه یافت: **﴿فَاذْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾** (فجر:۳۰-۲۹) و این‌گونه بود که او «عزیزدردانه خدا» شد و اکنون در کوی امام هشتم و قبله هفتم یعنی امام رضا علیه السلام آرمیده و چه خوش سرود که: **«دیری است زاشیانه جدا مانده‌ای «امین» غُربت بس است، روسوی آن کوی و بام‌کن دامن که مُستمند و تهی‌دست و بی‌کسی از بارگاه فیض رضائیه توشه وام کن و آنجا که آمد و شد خیل ملائک است کنجی گرین و تا به قیامت مقام کن**



ایشان از جمله دشمن‌شناسی، مردم‌شناسی، فتنه‌شناسی و آسیب‌شناسی انقلاب‌ها اشاره کرد و گفت: ایشان با نگاهی دقیق به انقلاب‌های بزرگ جهان همچون روسیه، فرانسه و الجزایر، همواره نسبت به خطر ارتجاع و بازگشت ضدارزش‌های طاغوتی هشدار می‌دادند و بر لزوم شناخت آسیب‌های درونی انقلاب تأکید داشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین رفیعی در پایان، با اشاره به نگاه امیدبخش امام شهید علیه السلام به آینده، خاطرنشان کرد: امیدآفرینی ایشان به‌معنای چشم‌پوشی از کاستی‌ها نبود؛ بلکه ایشان معتقد بودند برای حرکت رو به جلو، باید ضعف‌ها را شناخت و با نظریه‌پردازی دقیق، راه را برای تعالی انقلاب اسلامی هموار کرد.

در پایان این مراسم، صحن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شاهد فریادهای وفاداری زائران به ولایت و درخواست برای خون‌خواهی «قائد شهید امت» بود.

نجف و کربلا صحنه نمایش وحدت امت اسلامی واقتدار گفتمان مقاومت

نوشتاری از حجت‌الاسلام سیدکاظم سیدباقری مدیر گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

وداع تاریخی با پیکر رهبر شهید علیه السلام در نجف و کربلا، فراتر از یک آیین مذهبی، رزمایشی راهبردی و حماسه‌ای هویت‌ساز بود. این رویداد با حضور میلیونی، پیوند عمیق بین‌المللی جبهه مقاومت را به تصویر کشید و نشان داد، گفتمان مقاومت، فارغ از جغرافیای سیاسی، ریشه در باورهای دینی و عدالت‌خواهی دارد. فضای این مراسم، ابعاد استکبارستیزی مسلمانان را در قالبی نمادین بازتولید کرد و با بهره‌گیری از نماد کربلا، سوگواری و سوگنامه شهادت را به حماسه و مشروعیت‌بخشی تاریخی برای جبهه مقاومت دگرگون کرد. این خیزش عاطفی، سرمایه‌های معنوی قدرت نرم ایران و نگره مقاومت را به رخ کشید و ظرفیت بالای همبستگی فراقومی و جذب توده‌های مسلمان در سطوح فراملی را آشکار ساخت.

بدرقه‌ای برای پیوند قم و نجف

یکی از مهم‌ترین وجوه این مراسم، تقویت پیوند گفتمانی میان حوزه‌های علمیه قم و نجف بود تا دو مرکز عریق و عمیق علمی جهان تشیع در کنار هم قرار گیرند و ظرفیت‌های پیدا و پنهان خود را به رخ جهانیان کشانند. حضور گسترده روحانیت و مراجع عظام تقلید در نجف و کربلا، نشان از عمق فکری و نفوذ اندیشگی رهبر شهید علیه السلام بود. حضور فرزندان و نمایندگان آیت‌الله‌العظمی سیستانی و آیت‌الله سید محمدتقی مدرسی، از مراجع تقلید شیعیان در کربلا، در حرم امام حسین علیه السلام برای شرکت در تشییع، نشان‌دهنده جایگاه فراملی و پیوند استوار ایشان با حوزه علمیه آن سامان است. همچنین اقامه نماز میت توسط آیت‌الله سید محمدتقی حکیم، از روحانیان سرشناس عراق، در حرم امام علی علیه السلام و حضور نماینده آیت‌الله سیستانی برای اقامه نماز در کربلا، همگی بر این نکته تأکید دارند که شخصیت رهبر شهید، حلقه‌ای واسط میان دو قطب اصلی جهان تشیع یعنی قم و نجف بود. این حضور گسترده، نه یک اقدام تشریفاتی، بلکه بیانگر عمق و استمرار گفتمانی بود که ایشان نماینده آن بودند.

حضور خودجوش و عزت‌طلبانه مردمی

صحنه‌های به‌جامانده از این مراسم، گواهی بر عظمت و خودجوشی حضور مردمی است. هیچ قدرتی نتوانسته و نمی‌تواند چنین شور و گردهمایی بزرگی را به وجود آورد؛ مگر آنکه قلب‌ها و اندیشه‌ها، به عشق و شوق به حرکت درآید. به گزارش خبرگزاری‌ها، بیش از ده میلیون انسان شیفته و شورمند از مردم عراق و کشورهای دیگر خود را به کربلا و نجف رساندند تا در این وداع بی‌نظیر شرکت کنند. آن‌چنان جمعیتی در طول مسیر نجف تا کربلا حضور داشتند که مسیر کاروان را به‌سختی می‌گشودند و موجب تأخیر در رسیدن پیکر گردید. این حضور، صرفاً یک حرکت سیاسی نبود؛ بلکه ریشه در ارادتی عمیق و خودجوش داشت و اینکه علمداران عزت، استقلال و رویارویی با مستکبران در جهان اسلام، هماره در اوج بوده و خواهند بود.

این تشییع باشکوه، پیام‌های روشنی در سطح منطقه و فراتر از آن داشت. این مراسم واکنشی تعالی‌جویانه نسبت به جایگاه فراملی رهبر شهید در میان مسلمانان و آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان جهان است. حضور چهره‌های متعدد از مراجع و متنفذین فرهنگی و سیاسی در کنار مقامات رسمی این کشور، نشان از اجماعی بی‌نظیر داشت و بر عمق راهبردی محور مقاومت صحه گذاشت. خودروی تشییع که با شکوه تمام در میان دریای جمعیت حرکت می‌کرد، به دشمنان نشان داد که راه و هدف این جبهه، به حضور میلیونی مردم، همچنان زنده و پویاست و پرچم عزت‌خواهی هر روز برافراشته‌تر خواهد بود.

عمق راهبردی ایران و جبهه مقاومت

مراسم در نجف و کربلا، تنها بخشی از یک حقیقت بزرگ‌تر به نام عمق راهبردی جبهه مقاومت بود. طبعاً اگر این مراسم در دیگر نقاط جهان اسلام برگزار می‌شد نیز می‌توانست، در همین ابعاد و اندازه باشد و این همه، نشان از آن دارد که این باور، حضوری ژرف و مردمی دارد که البته هشدارى به همه دشمنان و بدخواهان است و شوق و همتی برتر را برای دوستان به ارغام می‌آورد. این بدرقه بی‌نظیر به نقطه‌عطفی در نگره وحدت و همدلی مسلمانان و همبستگی شیعه و سنی تبدیل شد و پیوندی ناگسستنی میان ملت‌های ایران و عراق و تمام آزادگان منطقه ترسیم کرد و نشان داد که آرمان مقاومت، مرزهای جغرافیایی و سیاسی را دنورددیده و به باوری عمیق و همگانی تبدیل شده است.

تصویرارائه‌شده از مجموعه رویدادهای چندروز بدرقه رهبر شهید علیه السلام، نشان دهنده عمق راهبردی و نفوذ اندیشه ایشان و گفتمان مقاومت در منطقه و جهان اسلام است. از لبنان تا بحرین و از پاکستان تا یمن و افغانستان، ارادت به محور مقاومت، یک سرمایه اجتماعی عظیم است که دشمنان را به وحشت انداخته است. حضور میلیونی در کربلا و نجف نشان داد که جبهه مقاومت، نه یک جبهه جغرافیایی، بلکه یک گفتمان است که در قلب‌ها و وجدان‌های آزادگان جهان ریشه دوانده است. این پیام روشنی برای صهیونیسم و استکبار جهانی دارد که مقاومت یک باور جمعی و یک سرمایه راهبردی است که با شهادت رهبران، نه‌تنها تضعیف نمی‌شود، بلکه عمیق‌تر و گسترده‌تر از قبل تثبیت می‌گردد.